

نقش سبک‌های حل تعارض در پیش‌بینی رضایت از زندگی زنان متأهل با میانجی‌گری شادکامی

مهسا رزم‌گر^۱

کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

محمدجواد اصغری ابراهیم‌آباد^۲

دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

هدف این پژوهش بررسی نقش سبک‌های حل تعارض در پیش‌بینی رضایت از زندگی زنان با میانجی‌گری شادکامی است. این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش را زنان متأهل شهر مشهد تشکیل می‌دهند. برای نمونه ۲۰۰ نفر به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه‌ی رضایت زندگی داینر (SWLS)، پرسشنامه‌ی سبک‌های حل تعارض رحیم (ROCI-II) و مقیاس شادکامی مونش (MUNSH) است. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین سبک‌های حل تعارض و شادکامی با رضایت از زندگی همبستگی معناداری وجود دارد و همچنین نشان داد که سبک‌های حل تعارض به‌طور مستقیم و معنادار و غیرمستقیم از طریق شادکامی بر رضایت از زندگی تأثیر دارند و نیز نقش میانجی‌گری شادکامی مورد تأیید قرار گرفت. در این میان سبک یکپارچه دارای رابطه‌ی مثبت و معناداری بود و سبک‌های مسلط و اجتنابی کمترین تأثیر را نسبت به سایر سبک‌ها داشته‌اند. باتوجه به نتایج این پژوهش می‌توان گفت که حل تعارض در زندگی زناشویی و همچنین

razmgar.mahsa@gmail.com.^۱

mjasghari@um.ac.ir:نویسنده مسئول.^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۲۴

شادکامی زنان باعث افزایش رضایت از زندگی آن‌ها خواهد شد.

واژگان کلیدی

سبک‌های حل تعارض، رضایت از زندگی، شادکامی، زنان متأهل

مقدمه و بیان مسئله

خانواده یکی از نهادهای مهم اجتماعی است. هرچه از عمر خانواده‌های گسترده می‌گذرد و تبلور خانواده‌ی هسته‌ای در جامعه بیشتر می‌شود، اهمیت روابط بین اعضای خانواده به‌خصوص زن و شوهر به‌عنوان ارکان اصلی خانواده واضح‌تر می‌شود. در این میان، رضایت زناشویی یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر عملکرد خانواده است (حسینی و علوی لنگرودی، ۱۳۹۶). رضایت یک فرد از زندگی زناشویی به منزله‌ی رضایت وی از خانواده محسوب می‌شود و رضایت از خانواده به مفهوم رضایت از زندگی بوده و در نتیجه رشد و تعالی و پیشرفت مادی و معنوی جامعه تسهیل خواهد شد (عدالتی و ردزوان^۱، ۲۰۱۰؛ به نقل از دغاغله و همکاران، ۱۳۹۱). رضایت‌مندی و سازگاری زناشویی در بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی افراد، تأثیر داشته و ایفای نقش والدینی را آسان می‌سازد (کامپنگ و واتسون، ۱۹۹۷؛ به نقل از دیباجی فروشانی و همکاران، ۱۳۸۸)؛ همچنین به عنوان عنصر کلیدی سلامت روان و کیفیت زندگی در طول دوره‌ی زندگی در نظر گرفته می‌شود (پراکتر، لینلی و مالتبی^۲، ۲۰۰۹؛ به نقل از جوانیک^۳، ۲۰۱۵). رضایت از زندگی می‌تواند ارزیابی‌های فرد از زندگی کنونی و سال‌های قبل را نیز دربر بگیرد. این ارزیابی‌ها شامل واکنش‌های هیجانی افراد به حوادث، حالات روانی و قضاوت‌های آن‌ها در خصوص میزان رضایتشان از زندگی، کمال و بسندگی و رضایت از زمینه‌های خاص زندگی مانند ازدواج و کار است (مایرز^۴، ۲۰۰۰). مفهوم

-
1. Edalati & Redzuan
 2. Proctor, Linley, & Maltby
 3. Jovanović
 4. Myers

خوشبختی زناشویی با مفاهیم بسیاری چون رضایت از ازدواج و شادکامی در هم می‌آمیزد. شادکامی و خوشبختی ذهنی به انواع ارزشیابی‌هایی اشاره می‌کند که فرد از خود و زندگی‌اش دارد (داینر، ۲۰۰۰؛ به نقل از موسوی، ۱۳۹۷). ریان و دسی^۱ (۲۰۰۱) نیز شادکامی را در خوشبختی انسان‌ها دخیل می‌دانند. همان‌طور که هافمن و همکاران (۲۰۱۳) نیز اشاره کرده‌اند، شکل دیگری از شادکامی، عموماً رضایت از زندگی نامیده می‌شود که از ارزیابی افراد از کیفیت زندگی مرتبط با خود تشکیل شده است.

ارتباط و سطح رضایت از زندگی به شکل‌های گوناگونی بیان شده است. در برخی تحقیقات نشان داده شده که سطح شادی هر فرد را کیفیت رضایت او از جریان کلی زندگی تعیین می‌کند، یعنی هرچه انسان از زندگی و اتفاق‌های آن راضی‌تر باشد، شادتر خواهد بود و اگر اتفاق‌های گوناگون موجب از بین رفتن رضایت فرد شود، همچنین موجب پایین رفتن سطح کلی شادی وی نیز خواهد شد و نکته قابل توجه این است که واقعیت‌های موجود موجب رضایت یا نارضایتی ما نمی‌شود بلکه داوری در مورد این واقعیت‌ها تعیین‌کننده رضایت یا نارضایتی است (خانزاده، ۱۳۸۶؛ به نقل از فرجی و خادمیان، ۱۳۹۲). اما در پژوهش حاضر، نقش میانجی‌گری شادکامی مدنظر است. غالباً شادکامی با کارکرد مطلوب و سلامتی روانی همراه است و رضایت از روابط شخصی با سلامت روانی مطلوب رابطه دارد. شادکامی به شکل‌های متعددی تعریف شده است. برخی از تحقیقات مایل هستند که از واژه‌ی بهزیستی فاعلی استفاده کنند؛ اگرچه شادکامی برخی اوقات مترادف با آن استفاده می‌شود. این واژه به خودارزیابی افراد از زندگی‌شان - نه قضاوت در مورد ویژگی‌ها - تأکید می‌کند و شامل رضایت، عاطفه‌ی مناسب و عاطفه‌ای با بار منفی کمتر است (دینر و همکاران، ۲۰۰۳). شادی عامل مهمی در زندگی است که از طریق آن فرد همیشه احساس خوبی درباره‌ی زندگی خود و سایر افراد خواهد داشت. افراد شاد، کارآمدی بیشتر، امید بالاتر، موفقیت تحصیلی و کیفیت زندگی بهتری دارند (مرادی و همکاران، به نقل از قضاوی، مردانی و پهلوانزاده، ۱۳۹۶) و نیز منطقی

است که مردم برای شادی ارزش قائل‌اند و آن را دنبال می‌کنند. افراد شاد مزایایی از جمله سلامتی بهتر، موفقیت بیشتر در روابط و کار را تجربه می‌کنند (گنتزلر و همکاران^۱، ۲۰۱۹). در تعریف شادکامی می‌توان به تعریف جامعی که آرچیل، مارتین و لوآ (۱۹۹۵) دارند توجه نمود؛ آن‌ها دریافتند که روابط مثبت با دیگران، هدفمند بودن زندگی، رشد شخصیتی، دوست داشتن دیگران و زندگی از اجزای «شادکامی» هستند و نیز می‌گویند: شادکامی سه جزء اساسی دارد: هیجان مثبت، رضایت از زندگی و نبود هیجانات منفی از جمله افسردگی و اضطراب. دینر و همکاران (۲۰۰۳)، نیز شادی را لذت، رضایت از زندگی، هیجانات مثبت، زندگی هدفمند یا حس خرسندی در میان سایر مؤلفه‌ها معنا می‌کنند که تا حد زیادی مشابه تعریف بالاست. به ارتباط شادی و نحوه‌ی حل تعارض در افراد در پژوهش‌های مختلفی اشاره شده است. داینر و لوکاس (۱۹۹۹) معتقدند که شادی مواردی از قبیل هیجان، خلق مثبت، فقدان افسردگی و اضطراب را شامل می‌شود. افرادی که شاد هستند، احساس امنیت بیشتری می‌کنند، آسان‌تر تصمیم می‌گیرند دارای روحیه‌ی مشارکتی بیشتری هستند و نسبت به کسانی که با آن‌ها زندگی می‌کنند احساس رضایت بیشتری می‌کنند. حال اگر بین زوجها ارتباط ضعیفی وجود داشته باشد یا یکی از آن‌ها یا هر دو دارای پیش‌فرض‌های غیرواقعی بینانه‌ای درباره‌ی نحوه‌ی کنار آمدن با تعارض باشند، نارضایتی بروز می‌کند (متز^۳ و اپستین^۴، ۲۰۰۲). مفهوم تعارض در منابع گوناگونی تعریف شده است. اما تعاریف جامعی که رحیم در تحقیقات متعددش ارائه کرده در این پژوهش مدنظر است. رحیم (۱۹۸۵) می‌گوید که تعارض حالتی تعاملی است که در مخالفت‌ها، تفاوت‌ها و ناسازگاری‌ها بین اشخاص و گروه‌ها آشکار می‌شود. تعاملی نامیدن تعارض مانع از احتمال درون‌فردی تعارض نمی‌شود چراکه یک شخص می‌تواند با خودش در تعامل باشد. تعارض سازمانی هم می‌تواند به درون‌فردی، بین‌فردی، بین گروهی و

-
1. Gentzler
 2. Argyle et al.
 3. Metz
 4. Epstein

درون‌گروهی تقسیم شود. گاتمن (۱۹۹۴، ۱۹۹۸؛ به نقل از استیوبر^۱، ۲۰۰۵) بیان کرد که سبک روابط زوج‌ها به‌خصوص در هنگام وجود تعارض، می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای قوی برای احساس رضایتمندی زوجین در طول مدت ازدواج مطرح شود. وی همچنین بیان می‌کند که رضایت در روابط با سبک‌های حل تعارض ارتباط زیادی دارد و از آنجایی که الگوهای حل تعارض، پیش‌بینی‌کننده‌ی خوبی برای رضایت زناشویی به شمار می‌روند، نقش مهمی در موفقیت یا عدم موفقیت نهایی ازدواج ایفا می‌کنند (اشنیویند و گرهاد^۲، ۲۰۰۲). سبک‌های حل تعارض، پاسخ‌ها یا مجموعه‌ای از رفتارهای الگوبرداری شده هستند که افراد هنگام تعارض از آن‌ها استفاده می‌کنند و بر اساس دو محور طبقه‌بندی می‌شوند: قاطعیت یعنی حل تعارض بر حسب منافع خود و مشارکت‌ورزی یعنی حل تعارض بر اساس منافع طرف مقابل (هوکر و ویلموت^۳، ۲۰۰۰؛ به نقل از پوربافرانی و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین نگرشی کلی است که در پاسخ به درگیری در تعاملات دوجانبه‌ی افراد منعکس می‌شود (سو و داویده‌یزار^۴، ۲۰۰۴) و درطول فرایند اجتماعی‌شدن، افراد سبک‌های حل تعارض خاصی را در تجربیات شخصی، ارزش‌های فرهنگی و تحصیلات خود پرورش می‌دهند (کاریپ، ۲۰۰۰؛ به نقل از کانتک و گزر، ۲۰۰۹). از طرف دیگر شکست در مدیریت تعارض ممکن است به شکست در اجرای کار، کاهش کارایی، غیبت، کاهش کارآمدی در کار، از بین بردن منابع، افزایش استرس و فرسودگی و تأثیر منفی آشکار منتج شود (امیسور و آبیودون^۵، ۲۰۱۴).

تعارض پیامدهای مختلفی دارد. نتایج مثبت یا منفی تعارض، بستگی به چگونگی مدیریت تعارض‌ها دارد (پارک و آنتونیونی^۶، ۲۰۰۷). پنج رویکرد مدیریت تعارض عبارت‌اند از: مسلط^۷، ملزم‌شده^۱، اجتناب‌کننده^۲، مصالحه‌کننده^۳ و یکپارچه^۴ (رحیم، ۲۰۱۱؛ به نقل از لبراگیو

1. Steuber
2. Schneewind & Gerhard
3. Hocker & Wilmot
4. Xu and Davidhizar
5. Omisore & Abiodun
6. Park and Antonioni
7. dominating

لابراگیو و همکاران، ۲۰۱۷) که توجه به آن‌ها حائز اهمیت است. روش‌های حل تعارض غیرسازنده از مجموع دو سبک سلطه‌گرانه و سبک اجتنابی به‌دست می‌آید. سبک حل تعارض سلطه‌گرانه با جهت‌گیری تهدیدآمیز مشخص می‌شود و شخص در این شیوه برای رسیدن به هدف خود اقدام به هرکاری کرده و نیازها و انتظارات دیگری را نادیده می‌گیرد. سبک حل تعارض اجتنابی با موقعیت‌های انزوا، اعطای مسئولیت به دیگران، دیگران را مقصر دانستن و خود را کنار کشیدن در ارتباط است (رحیم، ۱۹۸۳). در سبک یکپارچه که همچنین به‌عنوان سبک حل مسئله نامیده می‌شود، افراد علایق بیشتری به نگرانی‌های خود و دیگران نشان می‌دهند. این سبک دربرگیرنده‌ی همکاری گروه‌هاست. صداقت، شریک کردن افکار، امتحان کردن تفاوت‌ها برای به‌دست آوردن راه‌حلی که می‌تواند در نظر هر دو طرف پذیرفته شود (رحیم، ۲۰۰۰). سبک یکپارچه سبک حل تعارض برد-برد^۵ است؛ چراکه بیشتر محققان معتقدند مناسب‌ترین و مؤثرترین سبک است چون بر کاهش فشار هر دو طرف و تحکیم تعهدات طرفین متمرکز است (لو و وانگ^۶، ۲۰۱۷). از طرفی، سبک ملزم‌شده نگرانی خیلی بالایی را برای دیگران و نگرانی کمتری را برای خودش نشان می‌دهد و نیازهای دیگران را به نیازهای خود ترجیح می‌دهد (رحیم، ۲۰۱۰). این خود-فداکاری^۷، امتیاز دادن به دیگران و باوفا بودن نسبت به دیگران را نشان می‌دهد (لو و وانگ، ۲۰۱۷). سبک مصالحه‌کننده نیز، تسلیم‌پذیری کمتری نسبت به سبک ملزم‌شده دارد اما این شرایط برد-برد را به‌دست نمی‌آورد (رحیم، ۲۰۱۰). سطح ملایمت سطح مصالحه‌کننده بالاتر از سبک غالب در میان پنج نوع سبک حل تعارض است (دچرچ و مارک^۸، ۲۰۰۱). اگرچه که سبک مصالحه‌کننده می‌تواند طرفین را

-
1. obliging
 2. avoiding
 3. compromising
 4. integrating
 5. win-win
 6. Lu & Wang
 7. self-sacrifice
 8. DeChurch & Marks



و ادوار کند تا موضع میانه‌ای را اتخاذ کنند؛ هر دو طرف نیازمند هستند تا به عقب برگردند و خیلی از علایق خود را قربانی کنند. بنابراین این سبک ممکن است سبک مناسبی برای حل تعارض نباشد (شیه و سوزانتو، ۲۰۱۰).

شیوه‌های حل تعارض نادرست در واقع حاکی از نادیده انگاشتن همسر، همکاری نکردن و پاسخگو نبودن است. این افراد سعی می‌کنند در روابط خود طرف مقابل را نادیده بگیرند و گاه کاملاً از گفتگو کناره‌گیری کنند و همچنین سعی می‌کنند با همسرشان تعامل نداشته باشند. این شیوه‌ها همچنین می‌تواند بستری را برای خشونت‌های کلامی و جسمانی در خانواده فراهم آورد که ممکن است بر سطح رضایت طرفین از یکدیگر تأثیر بگذارد و رابطه‌ی آن‌ها را به سردی و جدایی بکشاند و نیز در اثر نبود خلق و روحیه‌ای مثبت در خانواده، انگیزه‌های تغییر هم در آن‌ها کم‌رنگ شود. از این رو شناخت و بررسی این موارد در راستای بهبود و ارتقای سطح زندگی بسیار حائز اهمیت است. در همین راستا، هدف اول این پژوهش، بررسی نقش پیش‌بین سبک‌های حل تعارض بر رضایت از زندگی و هدف دوم نیز بررسی نقش واسطه‌گری شادکامی بین سبک‌های حل تعارض و رضایت از زندگی بود. بر این اساس فرضیه‌های پژوهش بدین شرح اند:

۱. سبک‌های حل تعارض در پیش‌بینی رضایت از زندگی زنان متأهل نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.
۲. شادکامی بین سبک‌های حل تعارض و رضایت از زندگی زنان متأهل نقش واسطه‌گری دارد.

روش تحقیق

جامعه‌ی آماری، نمونه، روش نمونه‌گیری

تحقیق حاضر، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری پژوهش زنان متأهل شهر مشهد و نمونه‌ی مورد بررسی ۲۰۰ نفر از زنان منطقه‌ی ۱۰ شهرداری شهر مشهد بودند که به

روش نمونه‌گیری در دسترس‌گزینش شدند. از زنان متأهل با توجه به سطح تحصیلات که در این پژوهش از سیکل تا کارشناسی‌ارشد و بالاتر متغیر بود- در محیط‌های گوناگون (دانشگاهی و غیر دانشگاهی) یا در اجتماعات مختلف - خواسته شد تا در صورت تمایل پرسشنامه‌های سبک‌های حل تعارض، رضایت از زندگی و شادکامی را تکمیل کنند. پس از اجرای تحقیق، برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (محاسبه‌ی میانگین و انحراف معیار) و آزمون تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شد. تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه‌ی ۲۱ انجام گرفت.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه‌ی سبک‌های حل تعارض

پرسشنامه‌ی سبک‌های حل تعارض رحیم (ROCI-II) در سال ۱۹۸۳ جهت اندازه‌گیری سبک‌های حل تعارض طراحی شد. این پرسشنامه شامل ۲۸ سؤال و پنج سبک شامل سبک یکپارچگی، سبک مسلط، سبک ملزم‌شده، سبک اجتناب‌کننده و سبک مصالحه‌کننده است. در مطالعه دیگری که توسط رحیم و مگنر (۱۹۹۴) صورت گرفت همسانی درونی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه در دامنه ۰/۷۲ تا ۰/۷۷ گزارش شد. رحیم و مگنر (۱۹۹۵) در پژوهشی بر روی یک نمونه ۱۴۷۴ نفری به بررسی ساختار عاملی این پرسشنامه پرداختند. نتایج نشان داد که این ابزار از روایی همگرا و افتراقی مطلوبی برخوردار است. همسانی درونی این ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ بین ۰/۷۶ تا ۰/۸۵ گزارش شد. حقیقی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی مشخصات روان‌سنجی این پرسشنامه پرداختند. آن‌ها پایایی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه در دامنه‌ی ۰/۷۰ تا ۰/۷۵ به دست آورده‌اند.



پرسشنامه‌ی رضایت از زندگی

این پرسشنامه شامل ۵ سؤال است که دینر و دیگران (۱۹۸۵) در نمونه‌ای متشکل از ۱۷۶ دانشجوی دوره‌ی کارشناسی، مقیاس رضایت از زندگی (SWLS) را ارزشیابی کردند. میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های دانشجویان به ترتیب ۲۳/۵ و ۶/۴۳ و ضریب همبستگی بازآزمایی نمره‌ها پس از دو ماه اجرا ۰/۸۲ بود. بیانی و همکاران (۱۳۸۶) نیز به منظور تعیین پایایی مقیاس رضایت از زندگی از روش‌های بازآزمایی و همسانی درونی استفاده کردند. جهت محاسبه‌ی همسانی درونی مقیاس رضایت از زندگی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب ۰/۸۳ به دست آمد.

به منظور تعیین اعتبار از طریق بازآزمایی، نمونه مورد مطالعه پس از یک ماه، دوباره مقیاس رضایت از زندگی را تکمیل کردند و ضریب اعتبار مقیاس ۰/۶۹۹ به دست آمد که در سطح کمتر از ۰/۰۰۰۱ معنادار بود.

پرسشنامه‌ی شادکامی

مقیاس شادکامی مونش (MUNSH) را کوزما و استونز (۲۰۰۰) به منظور اندازه‌گیری شادکامی طراحی کرده‌اند. احساسات مثبت و منفی را دو بعد کوتاه‌مدت و بلندمدت در برمی‌گیرد. ماده‌های مربوط به بعد کوتاه مدت نشان دهنده جنبه‌های بعد بلندمدت مربوط به رگه‌ای است. هرکدام از جنبه‌های مثبت و منفی دارای ۵ سؤال و هرکدام از جنبه‌های مثبت و منفی رگه‌ای دارای ۷ سؤال است که روی هم رفته این مقیاس ۲۴ سؤال دارد.

کوزما و استونز (۲۰۰۰)، روایی مقیاس مونش را از ۰/۷۰ تا ۰/۸۵ گزارش کرده‌اند. به علاوه همبستگی این آزمون با دیگر مقیاس‌های سلامت روان از جمله درجه‌بندی شادکامی یودگاس (۰/۵۰) نشان‌دهنده‌ی اعتبار همگرایی این آزمون است (ماکی، ۲۰۰۵؛ والز-اینگرام، ۲۰۰۶). در مورد روایی این آزمون همچنین می‌توان گفت با ۰/۷۶ دقت می‌تواند افراد افسرده را از افراد

1. Memorial University of Newfoundland Scale of Happiness
2. Walls-Ingram

سالم افتراق دهد. در ایران، در تحقیق باباپور و همکاران، همسانی درونی این آزمون برابر با ۰/۷۱ به دست آمد. همچنین در این تحقیق اعتبار سازه‌ای این مقیاس نیز مورد تایید قرار گرفت. در پژوهش علیپور و همکاران (۱۳۸۹) آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پایایی این آزمون ۰/۷۶ گزارش شد.

یافته‌های پژوهش

اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان پژوهش از جمله تعداد آزمودنی، تحصیلات و سن در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی نمونه تحقیق

متغیرها	فراوانی	درصد
آزمودنی	زن	۲۰۰
تحصیلات	سیکل	۶/۵
	دیپلم	۲۱
	فوق دیپلم	۱۱/۵
	کارشناسی	۳۲
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۲۹
نوع ازدواج	فامیلی	۱۹
	غیرفامیلی	۸۱
	میانگین	انحراف استاندارد
	سن (سال)	۳۸/۰۸
	مدت ازدواج (سال)	۱۳/۵۵



همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش، زن بوده‌اند. از نظر میزان تحصیلات، کمترین تعداد سیکل با ۶/۵ درصد و بیشترین تعداد مربوط به کارشناسی با ۳۲ درصد است. ۱۹ درصد ازدواج فامیلی و ۸۱ درصد ازدواج غیرفامیلی داشته‌اند. میانگین سن و انحراف استاندارد آن‌ها به ترتیب ۳۸/۰۸ و ۱۰/۴۲ است و میانگین مدت ازدواج شرکت‌کنندگان ۱۳/۵۵ سال بوده است. میانگین و انحراف معیار و ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. میانگین، انحراف معیار و ماتریس ضرایب همبستگی بین سبک‌های حل تعارض، شادکامی و رضایت از زندگی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
سبک یکپارچگی	۲۹/۵۰	۶/۲۴	۱						
سبک اجتنابی	۱۹/۴۰	۵/۲۴	۰/۴۲**	۱					
سبک مسلط	۱۴/۶۶	۴/۱۹	۰/۴۶**	۰/۵۳**	۱				
سبک مصالحه‌کننده	۱۴/۸۷	۲/۳۸	۰/۳۹**	۰/۳۱**	۰/۲۲**	۱			
سبک ملزم شده	۲۲	۴/۲۲	۰/۴۰**	۰/۲۶**	۰/۲۳**	۰/۴۰**	۱		
شادکامی	۹/۶۱	۵/۰۱	۰/۴۷**	۰/۴۹**	۰/۴۹**	۰/۳۷**	۰/۲۸**	۱	
رضایت از زندگی	۱۵/۷۶	۳/۶۴	۰/۴۱**	۰/۲۶**	۰/۱۶**	۰/۲۸**	۰/۳۹**	۰/۴۶**	۱

**P<۰/۰۱



همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، همبستگی معناداری بین سبک حل تعارض یکپارچه ($r = 0/41$)، سبک حل تعارض اجتنابی ($r = -0/26$)، سبک حل تعارض مسلط ($r = -0/16$)، سبک حل تعارض مصالحه‌کننده ($r = 0/28$) و سبک حل تعارض ملزم شده ($r = 0/39$) با رضایت از زندگی وجود دارد. همچنین بین شادکامی و رضایت از زندگی ($r = 0/46$) همبستگی مثبت و معناداری به دست آمد. علاوه بر این، بین سبک حل تعارض یکپارچگی ($r = 0/47$)، سبک حل تعارض اجتنابی ($r = -0/49$)، سبک حل تعارض مسلط ($r = -0/49$)، سبک حل تعارض مصالحه‌کننده ($r = 0/37$) و سبک حل تعارض ملزم شده ($r = 0/28$) با شادکامی رابطه وجود دارد. جدول ۳، خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون را نشان می‌دهد. در تحلیل رگرسیون، سبک‌های حل تعارض و شادکامی به‌عنوان متغیر پیش‌بین و رضایت از زندگی به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شدند.

جدول ۳. تحلیل رگرسیون همزمان سبک‌های حل تعارض و شادکامی در پیش‌بینی رضایت از زندگی

سطح معنی داری	t	β	SE	B	p	F	R ² تعدیل یافته	R ²	R
	۲/۸۷	۰/۲۱	۰/۰۴	۰/۱۲					سبک یکپارچگی
	-۰/۳۶	-۰/۰۲	۰/۰۵	-۰/۰۱					سبک اجتنابی
	-۲/۶۱	۰/۱۹	۰/۰۶	۰/۱۷	۰/۰۱	۱۶/۱۳	۰/۳۱	۰/۳۳	۰/۵۷
	-۰/۱۳	-۰/۰۱	۰/۱۰	-۰/۰۱					سبک مصلحه‌کننده
	۳/۴۵	۰/۲۳	۰/۰۵	۰/۲۰					سبک ملزم شده
	۵/۱۲	۰/۳۸	۰/۰۵	۰/۲۸					شادکام

متغیرهای پیش‌بین: سبک‌های حل تعارض و شادکامی متغیر ملاک: رضایت از زندگی همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، مقدار ضریب همبستگی چندگانه بین سبک‌های حل تعارض و شادکامی در پیش‌بینی رضایت از زندگی ۰/۵۷ و R^2 برابر ۰/۳۱ است. به‌منظور بررسی معناداری ضرایب همبستگی به‌دست آمده، از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد که نتایج آن نشان می‌دهد که میزان F معنادار است ($F_{(۶,۱۹۹)} = ۱۶/۱۳$ ، $p < ۰/۰۰۱$). نتایج تحلیل رگرسیون هم‌زمان نیز نشان داد که سبک حل تعارض یکپارچگی ($\beta = ۰/۲۱$ ، $p = ۰/۰۰۴$) و سبک حل تعارض مسلط ($\beta = ۰/۱۹$ ، $p = ۰/۰۱$) و سبک حل تعارض ملزم شده ($\beta = ۰/۲۳$ ، $p = ۰/۰۰۱$) و شادکامی ($\beta = ۰/۳۸$ ، $p = ۰/۰۰۱$) قادر به پیش‌بینی رضایت از زندگی بودند و توانستند ۳۱ درصد واریانس رضایت از زندگی را پیش‌بینی کنند.

از تحلیل مسیر به‌منظور آزمون مدل مفهومی مورد نظر، یعنی بررسی نقش سبک‌های حل تعارض بر رضایت از زندگی با میانجی‌گری شادکامی استفاده گردید. قبل از اجرای آن، ابتدا مفروضه‌های نرمال بودن، هم خطی چندگانه و استقلال خطاها مورد بررسی قرار گرفت که به‌ترتیب بیان می‌شود. جهت بررسی داده‌های پرت تک‌متغیری، نمره‌های Z متغیرها محاسبه شد. نتایج نشان داد که نمره‌های آزمودنی‌ها در فاصله ۳ انحراف معیار پایین‌تر و بالاتر از میانگین بود. جهت بررسی نرمال بودن متغیرها از ضریب کجی و ضریب کشیدگی استفاده شد. جدول ۴ نتایج آزمون نرمال بودن متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش

شاخص‌های توصیفی	کجی	انحراف معیار	کشیدگی	انحراف معیار	معیار کشیدگی
سبک یکپارچگی	-۱/۵۱	۰/۱۷	۲/۰۳	۰/۳۴	۰/۳۴
سبک اجتنابی	-۰/۱۳	۰/۱۷	-۰/۰۵	۰/۳۴	۰/۳۴
سبک مسلط	۰/۳۷	۰/۱۷	-۰/۱۲	۰/۳۴	۰/۳۴
سبک مصالحه‌کننده	۰/۱۰	۰/۱۷	۰/۲۱	۰/۳۴	۰/۳۴
سبک ملزم‌شده	-۰/۲۲	۰/۱۷	۰/۵۰	۰/۳۴	۰/۳۴



۰/۳۴	-۰/۷۲	۰/۱۷	-۰/۰۳	شادکامی
۰/۳۴	-۰/۳۱	۰/۱۷	۰/۰۶	رضایت از زندگی

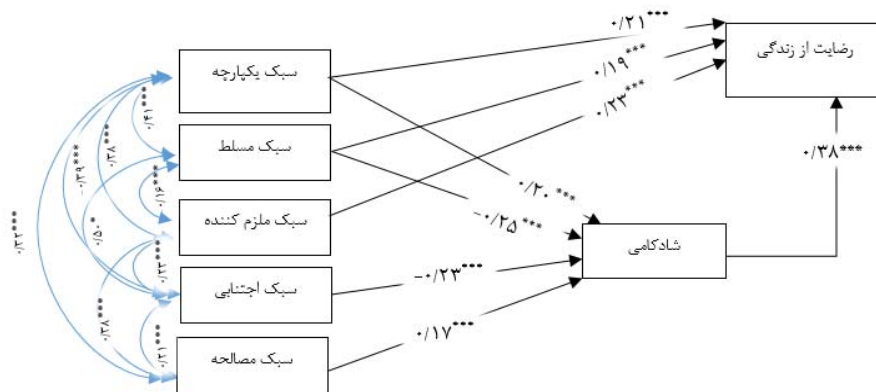
همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، با توجه به معیار نرمال بودن، متغیرهای پژوهش همگی دارای قدرمطلق ضریب کجی کوچکتر از ۳ و قدرمطلق کشیدگی کوچکتر از ۳ هستند و بنابراین، توزیع متغیرهای پژوهش نرمال است. جهت بررسی همخطی چندگانه، از آماره تحمل و شاخص تورم واریانس استفاده می‌شود. آماره تحمل، نسبتی از واریانس کل است که به وسیله متغیرهای دیگر تبیین نمی‌شوند و ارزش‌های تحمل کمتر از ۰/۱۰ نشان‌دهنده هم‌خطی چندگانه بین متغیرهاست. شاخص عامل تورم واریانس بزرگتر از ۱۰ نشان‌دهنده اضافی بودن متغیر است.

جدول ۵. نتایج بررسی هم‌خطی چندگانه متغیرهای پیش‌بین پژوهش

شاخص‌های هم‌خطی چندگانه		متغیرها
تورم واریانس	آماره تحمل	شاخص
۱/۶۴	۰/۶۰	سبک یکپارچگی
۱/۶۱	۰/۶۱	سبک اجتنابی
۱/۶۶	۰/۶۰	سبک مسلط
۱/۳۷	۰/۷۲	سبک مصالحه‌کننده
۱/۳۲	۰/۷۵	سبک ملزم شده
۱/۶۴	۰/۶۰	شادکامی

آماره‌های تحمل و شاخص تورم واریانس در جدول ۵ نشان می‌دهد که ارزش‌های تحمل به‌دست آمده برای متغیرها بالای ۰/۱۰ هستند و نشان‌دهنده عدم وجود هم‌خطی چندگانه بین متغیرهاست. همچنین، مقدار شاخص تورم واریانس به‌دست آمده برای متغیرها کوچکتر از ۱۰

است و این نشان می‌دهد که بین متغیرها، هم‌خطی چندگانه وجود ندارد. به‌منظور بررسی مفروضه استقلال خطا از شاخص دوربین واتسون استفاده شد. اگر مقدار آزمون دوربین واتسون کوچکتر از ۴ باشد، می‌توان گفت مفروضه مد نظر مورد تخطی قرار نگرفته است. مقدار شاخص دوربین واتسون برابر با ۰/۶۶ است. بنابراین، با توجه به شاخص‌های به‌دست‌آمده می‌توان نتیجه گرفت که شرایط آزمون رعایت شده است. شکل ۱، الگوی نهایی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل نهایی رابطه نقش میانجی شادکامی در رابطه سبک‌های حل تعارض و شادکامی با رضایت از زندگی
جدول ۶. شاخص‌های برازندگی مدل اصلاح شده

شاخص	χ^2	df	χ^2/df	RMSEA	GFI	AGFI	IFI	TLI	CFI	NFI
برازش										
حد	$2 \leq$		$0.1 \leq$				$0.9 \geq$			
مطلوب					$0.9 \geq$		$0.9 \geq$	$0.9 \geq$	$0.9 \geq$	$0.9 \geq$
مدل اصلاح شده	۱۰/۳۵*	۴	۲/۵۸	۰/۰۸	۰/۹۸	۰/۹۰	۰/۹۸	۰/۹۱	۰/۹۸	۰/۹۷

* $P < 0.05$



پس از اصلاح مدل پیشنهادی، نتایج جدول ۶ نشان می‌دهند که شاخص‌های برازندگی مدل اصلاح شده شامل شاخص مجذور خی دو ($\chi^2 = ۸/۷۲$)، مجذور خی دو نسبی ($۲/۵۸ = \chi^2/df$)، شاخص نیکویی برازش ($GFI = ۰/۹۸$)، شاخص نیکویی برازش انطباقی ($۰/۹۰ = AGFI$)، شاخص برازش مقایسه‌ای ($CFI = ۰/۹۸$)، شاخص برازندگی افزایش ($IFI = ۰/۹۸$)، شاخص برازندگی توکر-لویس ($TLI = ۰/۹۱$) و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب ($RMSEA = ۰/۰۸$) حاکی از برازش مطلوب مدل اصلاح شده است. بنابراین، مدل نهایی از برازندگی مطلوبی برخوردار است. جدول ۵ مسیرها و ضرایب استاندارد آنها را در الگوی نهایی تأثیر متغیر سبک‌های حل تعارض بر رضایت از زندگی را با میانجی‌گری شادکامی نشان می‌دهد.

جدول ۷. پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم، غیرمستقیم و کلی در مدل نهایی

مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
سبک حل تعارض یکپارچگی به رضایت از زندگی	۰/۲۱***	۰/۰۷***	۰/۰۶***
سبک حل تعارض اجتنابی به رضایت از زندگی	-	-۰/۰۸***	-۰/۰۸***
سبک حل تعارض مسلط به رضایت از زندگی	-۰/۱۹*	-۰/۰۹*	-۰/۰۹*
سبک حل تعارض مصالحه‌کننده به رضایت از زندگی	۰/۲۱***	۰/۰۶***	۰/۲۹***
سبک حل تعارض ملزم شده به رضایت از زندگی	۰/۲۳***	-	۰/۲۳***
شادکامی به رضایت از زندگی	۰/۳۸***	-	۰/۳۸***
سبک حل تعارض یکپارچگی به شادکامی	۰/۲۰*	-	۰/۲۰*
سبک حل تعارض اجتنابی به شادکامی	-۰/۲۲***	-	-۰/۲۲***
سبک حل تعارض مسلط به شادکامی	-۰/۲۵***	-	-۰/۲۵***

*۰/۱۷	-	*۰/۱۷	سبک حل تعارض مصالحه‌کننده به شادکامی
***p < ۰/۰۰۱ *p < ۰/۰۵			

همان‌گونه که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، نتایج بررسی اثرات مستقیم نشان داد که سبک‌های حل تعارض و شادکامی دارای اثر مستقیم و معنادار بر رضایت از زندگی هستند. در مورد اثرات غیرمستقیم، سبک‌های حل تعارض از طریق شادکامی بر رضایت از زندگی، اثر معنادار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش سبک‌های حل تعارض در پیش‌بینی رضایت از زندگی زنان متأهل با میانجی‌گری شادکامی بود. در این پژوهش از روش تحلیل مسیر استفاده شد و برازندگی مدل پیشنهادی پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بررسی اثرات مستقیم نشان داد که سبک‌های حل تعارض و شادکامی دارای اثر مستقیم و معنادار بر رضایت از زندگی هستند. در مورد اثرات غیر مستقیم نیز، سبک‌های حل تعارض از طریق شادکامی بر رضایت از زندگی اثر معنادار داشت.

نتایج پژوهش نشان داد که سبک‌های حل تعارض می‌تواند رضایت از زندگی را پیش‌بینی کند و فرضیه‌ی اول را تأیید نمود. به این صورت که سبک‌های یکپارچه، مصالحه‌کننده و ملزم‌شده رابطه‌ی مثبت و سبک‌های اجتنابی و مسلط رابطه‌ی معکوسی با رضایت از زندگی داشتند. که با نتایج پژوهش للوید^۱ (۱۹۸۷)، گاتمن (۱۹۹۴)، آبراهام و براین^۲ (۲۰۰۰)، سو و رن (۲۰۱۰)، مک دانیل، لوپز و هولمز^۳ (۲۰۱۰)، زیدنر و کلودا^۴ (۲۰۱۳)، ویسکیچ و دلوی^۵

1. Lloyd
2. Abraham & de bruyne
3. McDaniel, Lopez, & Holmes
4. Zeidner & Kloda
5. Weisskirch & Delevi



(۲۰۱۳)، دیباجی‌فروشانی و همکاران (۱۳۸۸)، ضیاء‌خدادادیان و همکاران (۱۳۹۰) و بیرامی و همکاران (۱۳۹۲) همسوست. آزادی‌فرد و امانی (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود به نقش سبک‌های حل تعارض بر رضایت از زندگی اشاره می‌کنند که در پژوهش آن‌ها نیز سبک‌های یکپارچه و مصالحه‌کننده دارای رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری با رضایت از زندگی اند. سبک‌های مصالحه‌کننده، ملزم‌شده و اجتنابی نیز ارتباط منفی معناداری داشتند. در پژوهش حاضر نیز در میان سبک‌های حل تعارض، سبک یکپارچه بیشترین تأثیر را بر رضایت از زندگی داشت و سبک‌های مسلط و اجتنابی دارای قدرت پیش‌بینی کمتری بودند.

سبک‌های حل تعارض در واقع نوع تعاملات بین افراد و اعضای یک خانواده را مشخص می‌کند. همان‌طور که متز^۱ و اپستین^۲، عامل مهم خوشبختی زناشویی را حل‌سازنده‌ی یک تعارض و پذیرش موارد تغییر یافته یا موارد غیرقابل تغییر می‌دانند. اگر بین زوج‌ها ارتباط ضعیفی وجود داشته باشد یا یکی از آن‌ها یا هر دو پیش‌فرض‌های غیرواقعی بینانه‌ای درباره‌ی نحوه‌ی کنار آمدن با تعارض داشته باشند، نارضایتی بروز می‌کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که اگر زوج‌ها گفت‌وگوهای مستقیم و سازگارانه داشته باشند، بهترین برآیند کیفیت ازدواج را خواهند داشت، نتایج بهتری را تجربه کرده و قادرند که احساس موفقیت و تسلط بر مشکلات را به یاری هم درک کنند. چنین گفت‌وگوهای مثبت یا منفی می‌تواند در کیفیت ازدواج موثر باشد (اسچورمن-کروک^۳، ۲۰۰۱). همان‌طور که گیل‌پاتریک (۲۰۰۸) به نقل از سودانی و همکاران (۱۳۸۴) به این مطلب اشاره می‌کند که زوجینی که روابط عاطفی عمیق، منطقی، دوستانه و صمیمی را تجربه می‌کنند، افرادی موفق، با اعتماد به نفس بالا، مثبت‌اندیش، شاد و با احساس خوشبختی هستند. برعکس، همسران پرتعارض که روابط عاطفی مناسبی با هم ندارند، افرادی منزوی، بدخلق، با سطح سازگاری بسیار پایین در جامعه، همواره ناامید و دارای احساس منفی و بدبختی هستند. رابین و فاستر (۱۹۸۹) به نقل از پوربافرانی و همکاران

1 Metz

2 Epstein

3 Schnurman, - Crook

(۱۳۹۴) نیز مهارت ضعیف در حل مسئله و استفاده از راه‌حل‌های تعارض‌زا را به‌عنوان یکی از عواملی که خانواده را مستعد تعارض شدید می‌کند، می‌دانند.

پس می‌توان گفت که توانایی برای مدیریت و حل تعارض‌ها به شکل سازنده می‌تواند یک ارتباط قوی را در رابطه‌ی زوج‌ها شکل دهد و آن‌ها را برای ایجاد یک رابطه‌ی صمیمی و نزدیک یاری دهد (ساموهانو^۱، ۲۰۱۵). ویلر، کیمبرلی و شاون^۲ (۲۰۱۰) نیز به همین مطلب اشاره کرده‌اند که انتخاب روش زوج‌ها برای مدیریت تعارض در روابطشان یک عامل مهم و تعیین‌کننده در کیفیت کلی رابطه است. زمانی که افراد در برابر مشکلات زندگی خود سبک‌های مناسب‌تری چون یکپارچه و مصالحه‌کننده را انتخاب می‌کنند، برای غلبه بر مشکلات موفق‌تر هستند. چراکه افرادی که از سبک یکپارچه پیروی می‌کنند به احتمال زیاد از روش‌های منطقی‌تری برای مواجهه با مشکلات استفاده می‌کنند مثلاً نظر طرف مقابل را در یک رابطه در نظر می‌گیرند و یا حس همکاری بیشتری در بین آن‌ها وجود دارد. درواقع سبک یکپارچه برای خودش و دیگران نگران است. اولین گام برای دریافت این سبک روبه‌روشدن با مشکلات واقعی، مواجهه با تعارض و روشن کردن همه چیز است (کرامر^۳، ۱۹۸۹؛ به نقل از لو و وانگ، ۲۰۱۷). از طرفی، سبک‌هایی مثل مسلط و ملزم‌شده بیشتر حالت افراطی داشته و خود یا دیگری را بیش از حد در کانون توجه قرار می‌دهند و از یافتن راه‌حل اصلی برای مشکلات فاصله می‌گیرند. سبک‌های اجتنابی نیز تلاش خاصی برای حل مسئله نمی‌کنند و اغلب این افراد از مشکلات و موقعیت اجتناب می‌کنند. به همین دلیل است که رحیم (۱۹۹۷) پیشنهاد می‌کند که سبک یکپارچه هنگامی مناسب‌تر است که مسائل پیچیده هستند و نیز هم‌فکری و مشارکت هر دو طرف برای حل مشکل مورد نیاز است. به همین دلیل است که رحیم و همکاران همواره در پژوهش‌های خود تأکید کرده‌اند که یکی از مهم‌ترین عوامل مدیریت مؤثر

1 Somohano

2 Wheeler, Kimberly & Shawna

3 Kramer

و مفید تعارض‌های بین فردی، سبک‌های حل تعارض است که افراد برای حل کردن تعارض‌ها استفاده می‌کنند (رحیم و همکاران، ۱۹۹۷، ۲۰۰۰).

فرضیه‌ی دوم در این پژوهش که به بررسی نقش واسطه‌گری شادکامی بین سبک‌های حل تعارض و رضایت از زندگی زنان متأهل پرداخته بود، این نقش را تأیید کرد و نشان داد شادکامی دارای اثر مستقیم و معنادار بر رضایت از زندگی است و در سطح $p < 0/001$ معنادار است. که با نتایج تحقیقات پاترسون، پارک و سلیگمن^۱ (۲۰۰۵)، پرسمن و کوهن^۲ (۲۰۰۵)، گراندی و نویس^۳ (۲۰۱۳)، گتزلر و همکاران (۲۰۱۹)، آهنچیان و همکاران (۱۳۹۶)، کرمی، کریمی و سنجابی (۱۳۹۶)، کاظمی‌رضایی و همکاران (۱۳۹۶)، کیخسرو بیک‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) و حجازی، صبحی و حسینی (۱۳۹۲) همسوست. در مورد اثرات غیرمستقیم نیز مشخص شد که سبک‌های حل تعارض از طریق شادکامی بر رضایت از زندگی اثر معنادار دارند که در این فرضیه هم سبک‌های اجتنابی و مسلط رابطه‌ی معکوسی با شادکامی دارند. در تبیین فرضیه‌ی دوم می‌توان گفت که شادی، به‌طور هوشمندانه‌ای، ارتباط عاطفی را افزایش می‌دهد و موجب احساس رضایت در افراد، حفظ ارتباط مثبت و همچنین بهبود عملکرد سیستم بدن می‌شود (سامانی و همکاران، ۱۳۸۶). تحقیقات همچنین نشان داده است که شادی، صرف نظر از چگونگی به‌دست‌آوردن آن می‌تواند سلامتی جسمانی را بهبود بخشد. افرادی که شاد هستند احساس امنیت بیشتری می‌کنند، آسان‌تر تصمیم می‌گیرند، دارای روحیه مشارکتی بیشتری هستند و نسبت به کسانی که با آنان زندگی می‌کنند، بیشتر احساس رضایت می‌کنند (دئر، اسنودن و فریسن^۴، ۲۰۱۰).

زندگی مطلوب، دربرگیرنده‌ی عواطف، و هیجانات مثبت درباره‌ی گذشته، حال و آینده است و به‌طور کلی یعنی به حداکثر رساندن هیجانات مثبت و به حداقل رساندن هیجانات منفی و درد ناشی از آن. زندگی متعهدانه، به‌کارگیری استعدادها و توانایی‌ها هنگام رویارویی

1 Peterson, Park, & Seligman

2 Pressman & Cohen

3 Gerandi, & Novice

4 Danner, Snowdon & Friesen

با چالش‌ها و در جهت رسیدن به خواسته‌ها را دربرمی‌گیرد (لوماس و ایوزان، ۲۰۱۶؛ به نقل از حیدری و ساعدی، ۱۳۹۹). به همین دلیل است که زوجین شاد با دیدگاهی روشن به امور می‌نگرند، از دعا و نیایش بهره می‌برند، برای حل مسائل خود فعالانه تلاش می‌کنند و به‌موقع مشکلات را شناسایی نموده و از دیگران تقاضای کمک می‌کنند. از سویی دیگر زوجین غمگین به شکلی بدبینانه رفتار می‌کنند، در خیالات خود فرو می‌روند، خود و دیگران را سرزنش می‌کنند و از تلاش برای حل مشکلات اجتناب می‌ورزند و در نتیجه تعارضات عمیق‌تری را تجربه می‌کنند (شیوتا^۲ و همکاران، ۲۰۱۷).

پس می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های حل تعارض، تعامل زوجین با یکدیگر و نحوه‌ی حل مشکلات، در داشتن یک رابطه‌ی بادوام نقش دارد. رابطه‌ای که ثبات و آرامش در آن جریان نداشته باشد ناپایداری و نارضایتی در آن اوج می‌گیرد و خلق منفی را در آن‌ها افزایش می‌دهد و در نهایت می‌تواند سطح رضایت کلی از زندگی را تحت تأثیر قرار دهد. از سویی دیگر، هر چقدر شادکامی بیشتر باشد به همان اندازه نیز میزان رضایت از زندگی بیشتر است و ممکن است به این دلیل باشد که با افزایش شادکامی در زندگی، هیجان‌ات مثبت در زوجین بیشتر شده و باعث می‌شود که مشکلات را به‌عنوان یک پدیده مثبت ارزیابی کنند. در این صورت با ارتباط متقابل مناسب که ریشه در هیجان‌ات مثبت دارد مشکلات را حل می‌کنند. افزایش آگاهی زوجین در این خصوص اهمیت زیادی دارد چراکه، پس از این که زوج‌ها آموختند با تعارض‌ها چگونه برخورد کنند؛ پاسخ‌هایی همچون گفت‌وگو را در پیش می‌گیرند و همین امر قدرت حل مسئله را افزایش می‌دهد و از شدت مشاجرات می‌کاهد. به علاوه، تکنیک‌هایی از قبیل کاهش توقعات و اولویت دادن به شادمانی نیز می‌تواند بر رضایت از زندگی مؤثر باشد.

از آنجایی که در پژوهش حاضر از ابزار پرسشنامه استفاده شده است، ممکن است افراد تحت تأثیر پرسشنامه قرار بگیرند و باتوجه به سطح تحصیلات (از سیکل تا کارشناسی ارشد و

-
1. Lomas & Ivztzan
 2. Shiota



بالا‌تر) و نیز دامنه‌ی سنی (از ۱۸ تا ۵۰ سال و بالا‌تر)، اشتغال برخی از زنان، تعداد فرزندان و غیره عواملی هستند که می‌توانند در دیدگاه آن‌ها به زندگی، سطح رفاه و آسایش تأثیر بگذارند که ممکن است درک و فهم متفاوتی از سؤالات پرسشنامه داشته و به گونه‌ای متفاوت نسبت به هم عمل کرده باشند و گاهی به تحریف واقعیت منجر شود که از محدودیت‌های اصلی این تحقیق است. در راستای پیشنهاد‌های پژوهشی این تحقیق می‌توان اثربخشی سبک‌های حل تعارض را با متغیرهای دیگری از جمله کیفیت زندگی، تاب‌آوری، خودکنترلی و غیره در زنان متأهل به‌دست آورد و نتایج با سایر متغیرها مقایسه شود و نیز می‌توان این پژوهش را روی دامنه‌ی سنی کمتری از زنان متأهل انجام داد. همچنین پیشنهاد می‌گردد که این تحقیق بر روی جامعه‌ی مردان متأهل نیز انجام شود و نتایج با گروه زنان متأهل مقایسه شود.

منابع

- آزادی فرد، صدیقه و امانی، رزیتا. (۱۳۹۵). رابطه‌ی باورهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض با رضایت زناشویی. *دوفصلنامه علمی- پژوهشی روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، ۱۴(۲)، ۳۹-۴۷.
- آهنچیان، محمدرضا؛ یزدانی، پروانه و صادقان، سمانه. (۱۳۹۶). تأثیر رهبری اخلاقی بر رضایت از زندگی و شادکامی با نقش میانجی رضایت شغلی. *مورد: بیمارستان‌های خصوصی شهر مشهد. پژوهش‌های مدیریت عمومی*، ۱۰(۳۸)، ۱۷۱-۱۹۶.
- بیانی، علی‌اصغر؛ محمدکوچکی، عاشور و گودرزی، حسنیه. (۱۳۸۶). اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی (SWLS). *فصلنامه‌ی روان‌شناسان ایرانی*، ۳(۱۱)، ۲۵۹-۲۶۵.
- بیرامی، منصور؛ باباپورخیرالدین، جلیل؛ هاشمی نصرت‌آباد، تورج؛ اسمعیلی، اسماعیل و بهادری خسروشاهی، جعفر. (۱۳۹۲). پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی بر اساس مؤلفه‌های هوش هیجانی و شیوه‌های حل تعارض. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین*، ۱۷(۳)، ۲۱-۲۷.
- پوربافرانی، معصومه؛ اعتمادی، عذرا؛ اکبرزاده، مهدی، و جزایری، رضوان. (۱۳۹۴). بررسی نقش ویژگی‌های شخصیت مادر، تعارض زناشویی مادر، سبک حل تعارض مادر و سبک حل تعارض دختر در پیش‌بینی تعارض مادر دختر. *فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی زن و جامعه*، ۶(۳)، ۱۰۵-۱۲۶.
- حجازی، مسعود؛ صبحی، افسانه و حسینی، مرتضی. (۱۳۹۲). رابطه دینداری با رضایت از زندگی و شادکامی دختران دانش‌آموز. *زن و مطالعات خانواده*، ۶(۲۲)، ۶۱-۷۷.
- حسینی، فخرالسادات؛ و علوی لنگرودی، سیدکاظم. (۱۳۹۶). نقش سبک‌های دلبستگی و رضایت جنسی در رضایت زناشویی با واسطه‌گری عشق‌ورزی. *مطالعات اجتماعی و روانشناختی زنان*، سال ۱۵(۳)، ۱۶۵-۱۸۸.
- حقیقی، حمید؛ زارعی، اقبال و قادری، فواد. (۱۳۹۱). بررسی ساختار عاملی و ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم (ROCI-II) در بین زوجین ایرانی. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲(۱)، ۵۳۴-۵۶۲.

- حیدری، نهال و ساعدی، سارا. (۱۳۹۹). اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌نگر بر رضایتمندی زناشویی، سبک عشق‌ورزی و شادکامی زوجین. *سلامت اجتماعی*، ۷(۲)، ۱۹۱-۲۰۰.
- دغاغله، فاطمه؛ عسگری، پرویز و حیدری، علیرضا. (۱۳۹۱). رابطه بخشودگی، عشق، صمیمیت با رضایت زناشویی. *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۷(۲۴)، ۵۷-۶۹.
- دیباچی فروشانی، فاطمه؛ امامی‌پور، سوزان، و محمودی، غلامرضا. (۱۳۸۸). رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایت‌مندی زناشویی زنان. *اندیشه و رفتار*، ۳(۱۱)، ۸۷-۱۰۱.
- سامانی، سیامک؛ جوکار، بهرام و صحراگرد، نرگس. (۱۳۸۶). تاب‌آوری، سلامت روانی و رضایتمندی از زندگی. *مجله‌ی روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۸، ۳۴-۳۹.
- سودانی، منصور؛ داستان، نصیر؛ خجسته‌مهر، رضا و رجبی، غلامرضا. (۱۳۹۴). مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی روایتی و زوج‌درمانی رفتاری تلفیقی بر تاکتیک‌های حل تعارض زنان قربانی خشونت همسر. *فصلنامه‌ی زن و جامعه*، ۶(۲۳)، ۱-۱۲.
- ضیاء‌خدادادیان، محبوبه؛ سیرتی‌نیر، مسعود؛ خمسه، فریال و عبادی، عباس. (۱۳۹۱). مقایسه‌ی تأثیر آموزش دو روش حل تعارض و مدیریت هوش هیجانی بر رضایت از زندگی همسران جانبازان اعصاب و روان. *مجله‌ی علمی-پژوهشی طب جانباز*، ۴(۱۵)، ۵۲-۶۱.
- علی‌پور، احمد؛ هاشمی‌نصرت‌آباد، تورج؛ باباپور خیرالدین، جلیل و طوسی، فهیمه. (۱۳۸۹). رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای و شادکامی دانشجویان. *فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه تبریز*، ۵(۱۸)، ۷۱-۸۶.
- عنصری، مهیار. (۱۳۸۶). رابطه‌ی شادکامی و سلامت روان. *فصلنامه‌ی اندیشه و رفتار*، شماره-۶، ۷۵-۸۴.
- فرجی، طویی؛ و خادامیان، طلیمه. (۱۳۹۲). بررسی نقش رضایت از زندگی بر میزان نشاط اجتماعی. *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۴(۱۰)، ۸۷-۱۰۲.
- کاظمی‌رضایی، ولی؛ همتی‌گروسی، سجاده؛ حسنی، جعفر و کاظمی‌رضایی، علی. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش خویش‌داری جنسی بر رضایت از زندگی و شادکامی در دانشجویان

پسر. نشریه‌ی پژوهش پرستاری ایران، ۱۲(۶)، ۵۱-۵۶.

کریمی، جهانگیر؛ کریمی، پروانه و سنجابی، امیر. (۱۳۹۵). پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس تاب‌آوری و شادکامی در سالمندان. *مجله روانشناسی پیری*، ۲(۴)، دوره ۲، ۲۲۹-۲۳۶.

کیخسروی بیگزاده، زهره؛ رضایی، آذرمیدخت و خالویی، یعقوب. (۱۳۹۴). رابطه‌ی حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی با شادکامی در سالمندان ساکن در منازل شخصی شهر شیراز. *مجله علمی پژوهشی سالمند*، ۱۰(۳۷)، ۱۸۰-۱۷۴.

گاتمن، جان و سیلور، نان. (۱۳۹۶). هفت اصل اخلاقی برای موفقیت در ازدواج. ترجمه مهدی قراچه‌داغی. چاپ ششم، تهران، نشر آسیم. (سال انتشار اثر به زبان اصلی: ۱۹۹۹).

موسوی، سیده فاطمه. (۱۳۹۷). نقش مؤلفه‌های فضیلت زناشویی در پیش‌بینی شادکامی و رضایت زناشویی مردان و زنان متأهل شهر تهران. *مطالعات اجتماعی و روانشناختی زنان*، ۱۶(۳)، ۱۷۹-۱۵۹.

- Abraham, G.P., & de bruyne, T. (2000). Conflict management style and marital satisfaction. *Journal of sex and marital therapy*, 26(4), 321-334.
- Abiodun, A. R. (2014). Organizational conflicts: Causes, effects and remedies. *International Journal of Academic Research in Economics and Management Sciences*, 3(6), 118.
- Ahanchian, M. R., Yazdani, P., & Sadeghian, S. (2018). The effect of Ethical leadership on life Satisfaction and well-being by Mediation of job Satisfaction: The case of Private Hospitals in Mashhad city. *Management Researches*, 10(38), 171-196. doi:10.22111/jmr.2018.3721 [Text in Persian]
- Alipour, A., Hashemi, T., Babapour, J., & Tousi, F. (2010). Relationship between coping strategies and happiness among university students. *Journal of psychology (Tabriz university)*, 5(18), 71 – 86. [Text in Persian]
- Anasori M. (2008). The relationship between psychological health and happiness among the female and male students of Islamic Azad University. *Journal of clinical psychology andishe va raftar (andisheh va raftar) (applied psychology)*, 2(6), 75- 84. [Text in Persian]
- Argyle, M., Martin, M. & Lu, L. (1995). Testing for stress and happiness: The role of social and cognitive factors. In C. D. Spielberger, & I. G. Sarason. (Eds). *Stress and emotion*, Washington D. C: Taylor & Francis.
- Azadifard, S., & Amani, R. (2017). The relation between relational beliefs and conflict resolution styles with marital satisfaction. *CPAP*, 14(2), 39-47. [Text in Persian]



- Bayani, A., Mohammad Koochehy, A., & Goodarzi, H. (2007). The reliability and validity of the satisfaction with life scale. *Journal of developmental psychology: Iranian psychologist*, 3(11), 259-265. [Text in Persian]
- Bayrami, M., Babapour Khirodin, J., Hashemi Nosrar abad, T., Esmali, E., & Bahadori Khosroshahi, J. (2013). Prediction of marital satisfaction on the basis of components of emotional intelligence and conflict resolution styles. *The Journal of Qazvin University of Medical Sciences*, 17(3), 20-27. [text in Persian].
- Danner, D., Snowdon, D., & Friesen, W. (2012). Positive emotion early in life and longevity: Findings from the nun study. *Journal of Personality and Social Psychology*, 80, 804–813.
- Daghagheleh, F., Asgari, P., & Hydarie, A. R. (2012). Relationships between staffs' forgiveness, intimacy and love with marital satisfaction at islamic azad university of Ahvaz. *Journal of social psychology (new findings in psychology)*, 7(24), 57 – 69. [Text in Persian]
- DeChurch, L. A., & Marks, M. A. (2001). Maximizing the benefits of task conflict: The role of conflict management. *International Journal of Conflict Management*, 12(1).
- Dibajiforushani, F., Emamipour, S., & Mahmoudi, Gh. (2009). The relationship between attachment styles and conflict management styles on marital satisfaction in women. *Journal Of Clinical Psychology Andishe Va Raftar (Andisheh Va Raftar) (Applied Psychology)*, 3(11).87-101. [Text in Persian]
- Diener, E., & Lucas, R. E. (1999). 11 personality and subjective well-being. *Well-being: Foundations of hedonic psychology*, 213.
- Kahneman, D., Diener, E., & Schwarz, N. (Eds.). (1999). *Well-being: Foundations of hedonic psychology*. Russell Sage Foundation.
- Diener, E. (2000). Subjective well-being: The science of happiness and a proposal for a national index. *American Psychologist*, 55, 34-43.
- Diener, E. D., Scollon, C., & Lucas, R. E. (2003). The evolving concept of subjective well-being: The multifaceted nature of happiness. *Advances in cell aging and Gerontology*, 15, 187- 219.
- Dizjani, F., & Kharamin, S. (2016). Reality therapy effect on marital satisfaction and women's quality of life. *Armaghane danesh*, 21(2),187-199. [Text in Persian]
- Faraji, T., & Khademiyan, T. (2007). a study on the effect of life satisfaction on the social delight. *Quarterly of Sociological Studies of Youth*, 4(10), 87-102. [Text in Persian]
- Gentzler, L. M., Palmer, A. C., Ford, Q. B., Moran, M. K., & Mauss, B. I. (2019). Valuing happiness in youth: Associations with depressive symptoms and well-being. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 62, 220–230.

- Ghazavi, Z., Mardany, Z., & Pahlavanzadeh, S. (2017). Effect of happiness educational program of Fordyce on the level of nurses' happiness. *JHC*, 19(3), 117-124. [Text in Persian]
- Gottman, J. M., & Silver, N. (2015). *The seven principles for making marriage work: A practical guide from the country's foremost relationship expert*. Harmony.
- Gerandi, R., & Novice, E. A. (2013). The effect of happiness training on stress. *Annual Review of Psychology. Annual Reviews Inc, Paolo Alto California*, 52, 141 – 146 .
- HAGHIGHI, H., ZAREI, E., & GHADERI, F. (2012). Factor structure and psychometric characteristics conflict resolution styles questionnaire Rahim (ROCI-II) in Iranian couples. *Family Counseling and Psychotherapy*, 2(1), 534-562. [Text in Persian]
- Hejazi, M., Sobhi, A., Hosseini, M. (2013). Relationship between religiosity and life satisfaction and happiness among girl students. *Woman & study of family*. 6(22), 61 – 77. [Text in Persian]
- Heydari, N., & Saedi, S. (2018). The effectiveness of positive psychotherapy on marital satisfaction, love-making styles and happiness among couples. *Journal of Educ Community Health*, 7(2), 191-200. [Text in Persian]
- Hosseini, F., & Alavi Langeroodi, S. K. (2017). The role of attachment styles and marital satisfaction on sexual satisfaction through the mediation of love among married. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 15(3), 165-188. doi:10.22051/jwsp.2018.12335.1332 [Text in Persian]
- Jovanović, V. (2019). Adolescent life satisfaction: The role of negative life events and the Big Five personality traits. *Personality and Individual Differences*, 151, 109548.
- Kantek, F., & Gezer, N. (2009). Conflict in schools: Student nurses' conflict management styles. *Nurse Education Today*, 29, 100–107.
- Karami, J., Sanjabi, A., & Karimi, P. (2017). The prediction of life satisfaction among the elderly based on resilience and happiness. *Journal of elderly psychojogy*, 2(4), 229-23. [Text in Persian]
- Kazemi rezai, V., Hemmati garosi, S., Hasani, J., & Kazemi rezai, A. (2018). The effect of teaching sexual abstinence on life satisfaction and happiness. *Iranian journal of nursing research*. 12(6), 51 – 56. [Text in Persian]
- Keykhosravi Beygzadeh, Z., Rezaei, A., & Khalouei, Y. (2015). The relationship between social support and life satisfaction with happiness among home-dwelling older adults in Shiraz. *Salmand: Iranian Journal of Ageing*, 10(2), 172-179. [Text in Persian]
- Kozma, A., Stones, S., & Stones, M. J. (2000). Stability in components and predictors of subjective well being (SWB): Implications for SWB structure. *Advances in Quality of Life Theory and Research*, 13-30.



- Lloyd, S. A. (1987). Conflict in permarital relationships: Differential perceptions of males and females. *Family Relations*, 36, 290-294.
- Lu, W., & Wang, J. (2017). The influence of conflict management styles on relationship quality: The moderating effect of the level of task conflict. *International Journal of Project Management*, 35(8), 1483-1494.
- Maki, A. A. (2005). The relationship between spirituality and successful aging older minority women. *Dissertation Abstracts International of Florida State University*.
- Metz, M. E., & Epstein, N. (2002). Assessing the role of relationship conflict in sexual dysfunction. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 28, 139-164.
- McDaniel, B., Lopez, S. & Holmes, E. (2010). Factors that Affect Marital Satisfaction across the transition to Fatherhood. *Intuition*, 6, 9-18.
- Mousavi, S. F. (2018). The role of marital virtue components in predicting happiness and marital satisfaction of married men and women in Tehran City. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 16(3), 159-179. doi:10.22051/jwsp.2019.8074.1706 [Text in Persian]
- Myers, D. G. (2000). The funds, friends and faith of happy people. *American Psychologist*, 55, 56-57.
- Parka, H., & Antonioni, D. (2007). Personality, reciprocity, and strength of conflict resolution strategy. *Journal of Research in Personality*, 41(1), 110-125.
- Peterson, C. M., Park, N. M., & Seligman, M. E. P. (2005). Orientations to happiness and life satisfaction: The full life versus the empty life, *Journal of happiness studies*, 6, 25-41.
- Pourbaferani, M., Etemadi, O., Akbarzadeh, M., & Jazayeri, R. (2015). Evaluating the role of mother personality, maternal marital conflict, mother conflict resolution style and daughter conflict resolution style in predicting of mother-daughter conflict. *Quarterly Journal Of sociology Of Women (Journal Of Woman And Society)*, 6(23), 105-126. [Text in Persian]
- Pressman, S. D., & Cohen, S. (2005). Does positive affect influence health? *Psychological bulletin*, 131(6), 925-971.
- Rahim, M.A. (1983). A Measuer of Styles of Handling Interpersonal Conflict. *Academy of Management Journal*, 26(2). 368-376.
- Rahim, M. A. (1985). A strategy for managing conflict in complex organizations. *Human Relations*, 38(1), 81-89.
- Rahim, M. A. (1997). Styles of managing organizational conflict: a critical review and synthesis of theory and research. *Current Topics in Management 2*: 61, 77.
- Rahim, M.A., 2000. Empirical studies on managing conflict. *The Journal of Conflict Management 11* (1), 5-8.
- Rahim, M. A. (2010, February). Functional and dysfunctional strategies for managing conflict. In *IACM 23rd Annual Conference Paper*.

- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2001). On happiness and human potentials: A review of research on hedonic and eudaimonic well-being. *Annual Review of Psychology*, 52, 141- 161.
- Samani, S., Jokar, B., & Sahragard, N. (2007). Effects of Resilience on Mental Health and Life Satisfaction. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 13(3), 290-295. [Text in Persian]
- Schneewind, K. A., & Gerhard, A. K. (2002). Relationship personality, conflict resolution, and marital satisfaction in the first 5 years of marriage. *Family Relations*, 51, 63-71.
- Schnurman-Crook, A. M. (2001). Marital quality in dual-career couples: Impact of role overload and coping resources. *Unpublished Doctoral Dissertation, Virginia Polytechnic Institute and State University*.
- Shih, H. A., & Susanto, E. (2010). Conflict management styles, emotional intelligence, and job performance in public organizations. *International Journal of Conflict Management*, 21(2), 147-168.
- Shiota, M. N., Campos, B., Oveis, C., Hertenstein, M. J., Simon-Thomas, E., & Keltner, D. (2017). Beyond happiness: Building a science of discrete positive emotions. *American Psychologist*, 72(7), 617.
- Somohano, V. C. (2013). *Mindfulness, attachment style and conflict resolution behaviors in romantic relationships*. (MA). Humboldt State University.
- Steuber, K. R. (2005). *Adult attachment, conflict style, and relationship satisfaction: a comprehensive model*. A thesis submitted to the Faculty of the University of Delaware in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts in Communication.
- Sudani, M., Dastan, N., Khojastemehr, R., & Rajabi, R. (2015). Compare the effectiveness of narrative therapy and integrative behavioral couple therapy on conflict resolution tactics spouse abuse victims. *Journal of Women and society*, 3(23), 1-12. [Text in Persian]
- Walls-Ingram, S. A. (2006). *Resident quality of life and routinization in rural long term care facilities* (Doctoral dissertation, University of Saskatchewan Saskatoon).
- Weisskirch, R., & Delevi, R. (2013). Attachment style and conflict resolution skills predicting technology use in relationship dissolution. *Journal Computers in Human Behavior*, 29(6), 2530-2534.
- Wheeler, L. A., Kimberly, A. U., & Shawna, M. T. (2010). conflict resolution in mexican-origin couples: culture, gender, and marital quality. *Journal Marriage Fam*, 72(4), 991-1005.
- Xu, Y., & Davidhizar, R. (2004). Conflict management styles of Asian and Asian American nurses: implications for the nurse manager. *The Health Care Manager*, 23(1), 46-53.



- Xu, J., & Ren, Y. (2010). An empirical study on project relationship quality, project performance and their impact relationship. *Hefei: Forecasting*, 1, 71-75.
- Zeidner, M., & Kloda, I. (2013). Emotional intelligence (EI), conflict resolution patterns, and relationship satisfaction: Actor and partner effects revisited. *Personality and Individual Differences*, 54(2), 278-283.
- Ziakhodadadian, M., Sirati nir, M., Khamseh, F., & Ebadi, A. (2012). Comparison the effect of training of conflict resolution and management of emotional intelligence on Life satisfaction's spouses of war veterans affected psychological disorders. *Iran J War Public Health*, 4(3), 52-61. [Text in Persian]

نویسندگان

razmgar.mahsa@gmail.com

مهسا رزم‌گر

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مشاوره‌ی خانواده دانشگاه فردوسی مشهد. علاقه‌مند به حیطه‌ی زنان و خانواده.

mjasghari@um.ac.ir

دکتر محمدجواد اصغری ابراهیم آباد

دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد و فارغ‌التحصیل از دانشگاه تربیت مدرس تهران. علایق ایشان بیشتر زمینه‌ی بالینی، اعتیاد و روان‌درمانگری است.



Studying The Role of Conflict Management Styles in Predicting the Life Satisfaction of Married Women with Mediating Role of Happiness

Mahsa Razmgar¹

Mohammadjavad Asghari Ebrahimabad^{2*}

Abstract

The aim of this study was to investigate the role of conflict resolution styles in predicting women's life satisfaction mediated by happiness. This is a descriptive study using correlational method. The statistical population of the study consisted of all married women in Mashhad within a sample of 200 people who were selected by convenience sampling. Data were collected using Diener's Life Satisfaction Questionnaire, Rahim Organizational Conflict inventory (ROCI-II) and Munsh Happiness Scale. Data were analyzed using regression analysis and path analysis. The results show a significant correlation between conflict management styles and life satisfaction with mediating role of happiness. conflict management styles affect the life satisfaction directly and through happiness indirectly. The integrated style dominant and avoidant styles show significant relationship with life satisfaction.

¹ . M.A. in Family counseling, Faculty of Educational Sciences & Psychology, Ferdowsi University of Mashhad

² . Associate Professor, Faculty of Educational Sciences & Psychology, Ferdowsi University of Mashhad.

* Corresponding Author: mjasghari@um.ac.ir

Submit Date: 2019.11.15

Accept Date: 2020.04.20

DOI: 10.22051/JWSPS.2020.29143.2120



Keywords

Conflict Management Styles, Life Satisfaction, Happiness, Married Women